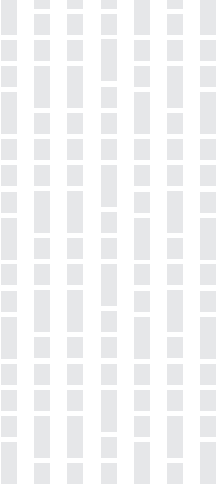
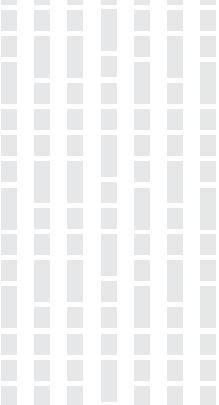
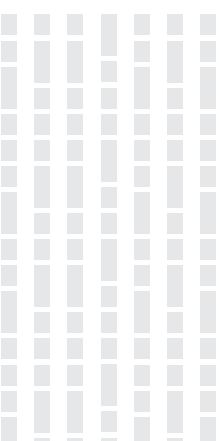


<div><div>📅</div><div><div>یکشنبه ۱۶ دی ۱۴۰۳</div></div></div>
<div><div>📄</div><div><div>شماره ۴۳۲۲</div></div></div>
<div><div>🌐</div><div><div>FARHIKHTEGANDAILY.COM</div></div></div>
<div><div>🌐</div><div><div>FARHIKHTEGANONLINE</div></div></div>



ایالات متحده امیدوار به پایه‌گذاری بنیانی مثل تشکیلات خودگردان در عراق است

آمریکا به دنبال ابومازن بغدادی



سیدمهدی طالبی پژوهشگر حوزه بین‌الملل

آمریکا و رژیم صهیونیستی با یکسره کردن کار سوریه، در صدد زیاده‌طلبی برای تضعیف شدید و یا برچیدن گروه‌های مقاومت عراق برآمده‌اند. دونالد ترامپ، رئیس جمهور منتخب آمریکا در چند روز گذشته در پیامی به دولت عراق، این درخواست را مطرح کرده‌است؛ موضوعی که نشان می‌دهد دولت عمیق این کشور به دنبال به‌ربرداری‌های حداکثری از رعب‌انگیزی‌های ترامپ است حتی در شرایطی که هنوز جو پایدن قدرت را در دست دارد.

آمریکا برای تضعیف سوریه، دو اقدام مهم را در حوزه نظامی – امنیتی در پیش گرفت که با همراهی جمعی رویه‌رو شُشد. نخستین اقدام فشار برای کاهش مستشاران ایرانی و محور مقاومت در سوریه بود که با فشار آمریکا، کشورهای عربی، رژیم صهیونیستی و بی تفاوتی روسیه و دولت وقت سوریه به اجرا درآمد. دومین اقدام تلاش برای تضعیف بیش از پیش قوای نظامی سوریه بود که با تضعیف بسیج مردمی این کشور با نام «قوات دفاع وطنی» صورت گرفت.

تعداد این نیروها که به اندازه یک ارتش کامل رسیده بود، به اندازه کمتر از نفرات یک لشکر کاهش یافت؛ این مسئله مورد حمایت دولت و ارتش وقت سوریه نیز قرار داشت و ضرورتاً تر خواستی رسمی از سوی قدرت‌های خارجی به‌شمار نمی‌رفت. همان روند برای عراق تدارک دیده شده تا نهایتاً این کشور نیز پس از سال‌ها دست و پنجه نرم کردن با تروریسم، به دست گروه‌های تکفیری– سلفی سقوط کند.

این اتفاق در عراق با تضعیف بسیج مردمی این کشور با نام «حشدالشعبی» میسر است. اساساً زمانی که عراق در شرف سقوط به دست داعش بود، شکل گیری این نیرو، پیشروی تروریست‌ها را متوقف و آزادسازی را کلید زد.

وجود این نیرو و موفقیت‌هایش منجر به آن شد که آمریکا برای عقب‌نفتادن از قافله آزادسازی‌ها و حضور در آینده عراق، با فشار خود را وارد تحولات مبارزه با تروریسم در عراق کند.

ابعاد

در سوریه ترکیبی که باعث تضعیف بسیج مردمی این کشور شد، فشارهای سیاسی و کاهش بودجه بود. همچنین ادغام این نیرو در ارتش باعث غیرایندولوژیک شدن آن شد. عمده نیروهای دفاع وطنی افراد و گروه‌هایی بودند که با بروز ناامنی‌ها برای حفظ امنیت محل زندگی، خانواده و قوم خود اسلحه به دست گرفته بودند.

تعدادی از این گروه‌ها مسیحی و بخشی نیز از شیعیان و علوی‌ها بودند. این افراد و گروه‌ها به دلیل حفاظت از مذهب خود، وجوهی ایدئولوژیک به خود گرفته بودند. فشارها به محدود شدن نفرات و خارج شدن تسلیحات سنگین از دست بسیج مردمی سوریه منتهی شد. به نظر می‌رسد چنین طرحی در انتظار حشدالشعبی باشد.

اوضاع عراق نشان می‌دهد تهدیدات آمریکا به میزانی مؤثر واقع شده است. مقامات مختلف عراقی اعلام کرده‌اند حشدالشعبی باقی خواهد ماند؛ اما به محدود کردن روه‌های مسلح چرخ‌سبز نشان داده‌اند. اغلب این کوشش‌ها تلاش دارند فشارهای آمریکا برای تضعیف و برچیدن حشدالشعبی را بازطراحی کنند تا علاوهبر راهیای از فشارهای این کشور، بسیج مردمی را نیز از گزند‌ها حفظ کنند. با این حال پیچیدگی‌های زیادی بر سیاست‌های بازیگران حاضر مترتب است.

مسیرهای فشار آمریکا بر دولت و راهکارهای مقابله

آمریکا مسیرهای چندگانه‌ای برای اعمال فشار به دولت و جناح‌های سیاسی عراق در اختیار دارد که بدین شرح است:

مالی

دولت بودجه‌ای بین ۲ تا ۳ میلیارد دلار برای حشدالشعبی در نظر گرفته است که آمریکا می‌تواند با تهدید و یا اعمال فشار بانکی، دولت را در مضیقه قرار دهد تا بودجه را قطع کند. بدون بودجه، فقط هویت حقوقی حشدالشعبی به عنوان نیرویی رسمی باقی می‌ماند؛ هرچند مشکل مالی عملاً باعث کاهش ابعاد آن می‌شود.

به نظر می‌رسد دولت عراق و حشدالشعبی حتی اگر در بدترین شرایط قطع بودجه را بپذیرند، نباید هویت حقوقی را رها کنند؛ هرچند با قطع بودجه و کمک‌های مالی، عملاً حشدالشعبی به محاق می‌رود.

دیپلماتیک

آمریکا می‌تواند در سیاست عراق برای تبدیل شدن به یک میانجیگر در منطقه اختلال ایجاد کند که تبعات آن می‌تواند تشدید مداخلات زیان‌بار خارجی در این کشور باشد. عراق می‌کوشد با حضور در تعاملات منطقه‌ای رقابت‌های منطقه‌ای در داخل خاک خود را مدیریت کند.

به نظر می‌رسد بهترین راه برای هدایت مدیریت فشارهای آمریکا در این حوزه، در خواست عراق برای بهره‌گیری بیشتر از ظرفیت‌های محور مقاومت برای موازنه باشد. این مسئله به معنای ورود عراق به صحنه تقابل با آمریکا نیست، همان‌طور که واشنگتن به‌شکل غیر مستقیم سیاست میانجیگری بغداد را به چالش خواهد کشید. بهره‌گیری عراق برای تشدید میانجیگری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی با استفاده از ظرفیت‌های محور مقاومت حتی می‌تواند به بهبود اوضاع عراق با غرب نیز منجر شود. البته این اتفاق در شرایطی رخ خواهد داد که محور مقاومت انعطاف بیشتری نشان دهد؛ مانند میانجیگری عراق میان غرب و یمن درباره در یای سرخ

که باعث می‌شود سیاست واشنگتن برای ضربه دیپلماتیک به بغداد، برای خود این کشور نیز کم صرفه شود.

امنیتی

تهدید به کاهش همکاری‌های نظامی به‌ویژه در بخش تسلیحاتی و اشتراک‌گذاری اطلاعات می‌تواند باعث تقویت تروریست‌ها در عراق شود. در عمل همکاری‌های تسلیحاتی و اطلاعاتی آمریکا با عراق علیه تروریست‌ها با هدف محور آن‌ها نیست، بلکه واشنگتن قصد دارد از این گروه‌ها و فعالیت‌هایشان به عنوان ابزار بهره‌گیری؛ اگر دولت عراق دستورکار آمریکا را پیش‌برد تروریست‌ها مهار می‌شوند و اگر بغداد مقاومت کرد، افسار این گروه‌ها را می‌شود.

تلاش برای تقویت نیروهای مسلح و به ویژه حشدالشعبی می‌تواند این اهرم فشار آمریکا را خنثی کند. شاید آمریکا با تشدید فشار‌ها از جمله با تهدید نظامی اجازه تشدید فعالیت حشدالشعبی در بسیاری از مناطق عراق را ندهد، اما ایران و مقاومت با تشدید فعالیت‌های اطلاعاتی و امنیتی می‌توانند خلأ حضور نظامی کافی را تا حدی پر کنند.

قوا

آمریکا امیدوار است بتواند با تهدیدات خود و ایجاد هراس، برخی را در عراق در مسیر نقشه‌های خود به شکل غیر مستقیم به حرکت وادارد. هم‌زمان نیز عوامل مستقیم این کشور در فضای سیاسی دست به مانور هایی ضد مقاومت خواهند زد تا دولت را مجبور و محدود کردن حشدالشعبی کنند.

راهکار عبور از این مرحله، انجام مانورهای سیاسی ویژه و کاهش وزن برخی از جریانات در افکار عمومی است. قطعاً در این خصوص چهارچوب هماهنگی شیعیان‌داری توانمندی‌های کافی است.

تهدید نظامی

آمریکا تاکنون برای فشار مؤثر بر گروه‌های مقاومت، از اقدامات نظامی بهره برده است. اقدامات نظامی مقاومت علیه پایگاه‌های آمریکا زمانی متوقف شد که این کشور دست به بمباران عراق زد. همچنین تهدیدات نظامی رژیم صهیونیستی علیه عراق باعث فشار دولت السودانی به گروه‌های مقاومت برای توقف حملات به سرزمین‌های اشغالی شد.

آمریکا رژیم صهیونیستی تهدید نظامی مستقیم را سوده‌مندترین و زودبازده‌ترین مسیر برای محدود کردن و سرکوب مقاومت در عراق می‌داند و آن را رها نخواهند کرد. راهکار مقابله با این سیاست، تهدید به جنگ فرسایشی علیه پایگاه‌های آمریکایی در منطقه و هدف‌گیری مراکز و تأسیسات خاص رژیم صهیونیستی با سلاح‌های ویژه است.

مراحل محدود کردن حشدالشعبی از نگاه آمریکا و راه‌های مقابله

آمریکا قصد دارد ابتدا حرف خود برای محدود کردن حشدالشعبی را به کرسی بنشاند. اگر اصل حرف مورد قبول عراقی‌ها قرار گرفت، مرحله بعد آغاز می‌شود. اگر آمریکا تهدید کرده در صورت عدم قبول محدود کردن حشدالشعبی، توانایی‌های خود را علیه دولت عراق به کار می‌گیرد، قبول محدود کردن حشدالشعبی به نفعش مانع از به کارگیری این توانایی‌ها نخواهد شد؛ بلکه این روند را تشدید خواهد کرد زیرا در مرحله دوم که مرحله تعیین حدود محدودیت‌ها بر حشدالشعبی است، واشنگتن به بهانه‌های مختلف ابزارهای خود را برای شکل دهی به این مرحله به کار می‌گیرد. مرحله سوم، تشدید مداخلات آمریکا برای راستی‌آزمایی اعمال محدودیت‌ها بر حشدالشعبی است که می‌تواند باعث تقویت و بازگسترش نظامی – امنیتی آمریکا در عراق شود که برای مدتی تضعیف شده بود. نظامیان و افسران آمریکایی و یا نیروهای تحت امر این کشور در سنتاکم، به بهانه بازرسی خواهان انواع دسترس‌ها می‌باشند؛ اما به تیروی حقیقت و حتی منازل خواهند شد.

مرحله چهارم، به درگیری‌سازی درونی عراق مربوط است. آمریکا پس از گسترش مستقیم نظامی و امنیتی خود در عراق، عمده وظیفه میدانی برای بازرسی و راستی‌آزمایی محدودیت حشدالشعبی را در اختیار یگان‌های امنیتی عراقی که تحت تسلط دارد، قرار خواهد داد. میزان تسلط آمریکا در برخی یگان‌های نظامی و سرویس‌های امنیتی عراق به میزانی زیاد است که عزل و نصب‌ها بدون توجه این کشور امکان‌پذیر نیستند.

در صورت وقوع مرحله چهارم، آمریکا با نیروهای عراقی، این کشور را تضعیف و کنترل خواهد کرد. هدف از این مرحله مشابهت‌سازی فضای عراق با کرانه باختری است. در این صورت دولت عراق عملاً به چیزی مثل تشکیلات خودگردان فلسطینی تبدیل خواهد شد که امروزه در همکاری امنیتی با آمریکا رژیم صهیونیستی، گروه‌های مقاومت را در کرانه باختری سرکوب می‌کند. اگر دولت السودانی تن به مراحل مدنظر آمریکا بدهد، عملاً دولت این کشور را به «تشکیلات خودگردان عراقی» تبدیل خواهد کرد؛ اقدامی که «احمد الشرع» ملقب به «ابومحمد الجولانی» حاکم جدید سوریه دست به آن زده است.

او در برابر پیشروی‌های رژیم صهیونیستی در خاک سوریه و انهدام تسلیحات این کشور سسکوت کرده و صرفاً به دنبال سرکوب مقاومت است؛ روندی که باعث شده او به نیروی حافظ امنیت غرب تبدیل شده و عملاً ملیر «تشکیلات خودگردان سوری» باشد.

با توجه به اینکه طرح آمریکا مر حله‌ای است و در همه مراحل نمی‌تواند به شکل هم‌زمان پیش برود، می‌تواند راهکاری برای مقابله مؤثر با آن ارائه داد، زیرا توقف در یک مرحله باعث مسدود شدن ادامه طرح می‌شود. البته باید توجه داشت برخی مراحل به ویژه از دوم تا چهارم، تا حدی می‌توانند موازی

نیز پیش بروند اما پیگیری موازی آن‌ها، از اثراشان خواهد کاست.

راهکار برهم زدن بازی آمریکا، مسدود کردن این کشور در یک مرحله و یا اجرای ناقص مراحل است. اگر آمریکا در یک مرحله متوقف شود نخواهد توانست به تمام هدف خود دست یابد. از سوی دیگر اگر دولت عراق از مسدودسازی مسیر آمریکا ناتوان باشد، می‌تواند با اجرای ناقص هر مرحله، باعث سردگمی و تضعیف واشنگتن در مرحله بعد شود.

اگر دولت عراق برای پذیرش اعمال محدودیت بر جناح‌های مسلح به شکل مناسبی عمل کند، آمریکا در مرحله دوم برای تعیین حدود محدودیت‌ها فضای مانور کمتری خواهد داشت.

در این اقدام ظرایف باید رعایت شوند، به عنوان مثال دولت عراق نباید محدود کردن جناح‌های مسلح و حشدالشعبی را به سبک محدود کردن کلی بپذیرد. به عنوان نمونه، باید به جای کاهش تسلیحات و نفرات جناح‌های مسلح، موضوع گفت‌وگو‌ها را بر سر مناطق حضور آن‌ها سوق دهد. آن‌هم باید با ظرافت، اساس استقرار در چنین مناطقی برچیده نشود، بلکه تعداد نیروها و تسلیحات مورد توجه قرار گیرند؛ همچنین به جای نفرات خارج شده حشدالشعبی، یگان‌هایی از ارتش و مبارزه با تروریسم به سرعت در همان مناطق مستقر شوند.

دولت عراق همچنین تلاش برای محدود کردن حشدالشعبی که به معنای تضعیف قوای نظامی این کشور است را باید به درخواست‌های مشروعی گره بزند. دولت عراق می‌تواند از آمریکا در خواست کند مابه‌ازای محدودیت در این قوا، واشنگتن باید تسلیحات بیشتری در اختیار ارتش عراق قرار داده و به این کشور برای برچیدن پایگاه‌های نظامی ترکیه در شمال این کشور کمک کند. اگر آمریکا این درخواست‌ها را قبول نکند، دلیلی نخواهد داشت طرف عراقی امتیازی بدهد.

روند زیان بار عقب‌نشینی‌ها

فشارهای جدید بر عراق مولود عقب‌نشینی‌های قبلی است. ابتدا تحت فشار عملیات علیه پایگاه‌های آمریکایی متوقف شد. سپس این فشارها حملات علیه رژیم صهیونیستی را متوقف کردند. دوره سوم به قضایای سوریه مربوط است که آمریکا مانع از ورود نیروهای مقاومت از مرزهای مشترک به داخل سوریه شد و در ادامه در خواست کرد نیروهای مستقر شده در مرز کاهش یابند. حالا با موفقیت در سسه دوره قبلی، در دوره جدید قرار است گروه‌های مقاومت و حشدالشعبی محدود و یا بدتر از آن، برچیده شوند.

اوضاع کنونی؛ نظر مرجعیت و آمریکا

آمریکا از دولت عراق و برخی جناح‌های سیاسی عمده این کشور، در حال حاضر در خواست کرده که تعدادی از گروه‌های مقاومتی برچیده شوند. این درخواست به ظاهر علیه حشدالشعبی نیست اما در عمل این سازمان را هدف گرفته است. این گروه‌ها ریشه در دوران مبارزه با صدام دارند و سپس در دوران اشغالگری آمریکا و حمله داعش، متکثر، پر تعداد و تقویت شدند. عمار حکیم اخیراً در خواست آمریکا در خواست مرجعیت عراق را تشریح کرده است.

او درباره رژیم آمریکا گفته است: «برخی از نیروهای چهارچوب هماهنگی شیعی که «جناح‌های مسلح» دارند مورد واکنش آمریکا هستند و آنچه ما از دولت آمریکا اطلاع پیدا کرده‌ایم به این دلیل نیست که آن‌ها چون در چهارچوب هماهنگی هستند، مورد هدف قرار می‌گیرند بلکه به‌خاطر این است که در میان جناح‌های مسلح هستند.»

به گفته رئیس جریان حکمت ملی عراق، دولت آمریکا خواهان سیاسی شدن گروه‌های مقاومت و دست کشیدن آن‌ها از اسلحه است؛ در حالی که دیگر گروه‌های مسلح در عراق که جزئی از چهارچوب شیعیان نیستند، می‌توانند اسلحه خود را نگه دارند.

به نظر می‌رسد آمریکا از این اقدام خود، درصدد بستن نگاه دیگری داخلی است. اگر جناح‌های مسلح چهارچوب هماهنگی سلاح خود را در حالی کنار بگذرانند که جریانات رقیب مانند جریان صدر به شددت پر تعداد و مسلح‌اند، این مسئله می‌تواند جریان صدر و دیگر جریانات را تحریک به اقدام علیه رقیبای خود کند؛ زیرا در شرایط منحل شدن قوای مسلح جناح‌های سیاسی چهارچوب هماهنگی، جریانات رقیب خود را قدرتمندتر از این چهارچوب ارزیابی کرده و درصدد هجوم خواهی متناسب با فضای جدید بر خواهند آمد.

حکیم همچنین در برداشت خود از مواضع جدید مرجعیت گفته است: «فهم اجتماعی و سیاسی به وجود آمده از سخن مرجعیت (آیت‌الله سیستانی) در مورد حصر سلاح توسط دولت‌شاید حصر سلاح جناح‌های (مقاومت) باشد که خارج از قانون و چهارچوب دولت عمل می‌کنند که فعالیت آن‌ها نزدیک بود بر عراق اثر بگذارد. این موضوع اشاره دارد که مرجعیت با توجه به شرایط و تهدیداتی که علیه عراق بود بر ریافت صحیح و قانونی خود تأکید دارد مبنی بر اینکه سلاح باید توسط دولت و نمایندگان ملت حصر شود.»

سخنان حکیم نشان می‌دهد این دو موضع حداقل در ظاهر با یکدیگر برابرنده چند در اراده می‌توانند متفاوت باشند. اراده آمریکا برچیده شدن گروه‌های مسلح وابسته به احزاب مرتبط با چهارچوب هماهنگی است. از آنجا که اساساً حشدالشعبی در ادغام تمام گروه‌های مسلح مبارز با داعش ایجاد شده، این اقدام به معنای تضعیف حشدالشعبی است. از سوی دیگر هدف آمریکا نوعی از برچیدن گروه‌های مسلح در عراق است که این اقدام منجر به درگیری داخلی شود.

با این حال اراده آیت‌الله سیستانی، ارتزاع استقلال این گروه‌ها از جریانات سیاسی

با حفظ عمده نیروها و تجهیزات‌شان است.

به نظر می‌رسد مرجعیت یادگی که از خطری بودن شرایط و همچنین محدودیت‌های خود در فضای عراق و عمق سیطره وجدیت آمریکا دارد، به جای ایستادگی نقطه‌ای، درصدد شکل دهی به اوضاع طبق جریان موجود است. مرجعیت تصمیم گرفته به جای ایستادگی در مقابل آمریکا در ظاهر قضیه، در باطن در برابر این کشور پایداری کند که بر خاسته از محدودیت‌های بغداد است؛ هرچند درستی و مؤثر بودن این سیاست نامشخص است.

این تفاوت در باطن در خواست آمریکا و مرجعیت، در یازگیری داخلی به نفع مرجعیت تمام می‌شود زیرا دولت و جناح‌های چهارچوب هماهنگی نیز تفسیر مرجعیت را در خصوص محدود شدن سلاح در دستان دولت می‌پذیرند و برای جناح‌های مسلح نیز پذیرش این روند، سوده‌مندتر از برچیده شدن یا مواجهه با درگیری نظامی است.

از سوی دیگر مرجعیت عالی عراق با پیش‌بینی احتمال وقوع درگیری داخلی در صورت اجرای طرح آمریکا برای خلع سلاح گزینشی گروه‌های مسلح، به طور کلی و بدون اجازه به جناح خاصی، خواهان انحصار سلاح در دستان دولت شده است. در این صورت هیچ گروهی تحریک به استفاده از موقعیت خلع سلاح رقیب نخواهد شد.

مسیر حشدالشعبی

حشدالشعبی و گروه‌های مسلح مقاومت با توجه به تشدید فشارها بر فعالیت پادگانی و با تسلیحات سنگین این نیرو، باید به سمت تشدید فعالیت‌های محلی خود سوق یابند. تشکیل نیروهای مقاومت مردمی در محلات و مناطق شهری عراق برای مبارزه با رهگنر تحولات سوریه و بمب‌گذاری‌هایی از این اقدامات است. همچنین حشدالشعبی باید فعالیت‌های غیرنظامی خود را نیز تشدید کند.

سلاح‌هایی که حشدالشعبی در طراحی آینده به آن‌ها نیاز دارد، عمدتاً سبک و برای مقابله با تروریست‌هاست. حشدالشعبی باید به سمت الگوی غزه و لبنان حرکت کرده و به میزان زیادی به تسلیحات کارآمد انفرادی و قابل حمل توسط نفر مسلح شود. حشدالشعبی محله‌محور همچنین باید کارکرد وفوقی، اطلاعاتی و امنیتی داشته باشد. این مسئله به معنای تشدید کردن فعالیت‌های نظامی عمده حشدالشعبی نیست، بلکه زمینه‌سازی برای جلوگیری از تضعیف است. حشدالشعبی باید به میزانی که فعالیت‌های عمده نظامی‌اش در سطح کلان محدود می‌شود، حضور خُرد خود را افزایش دهد.

حشدالشعبی محله‌محور نیازی به سرمایه کلان برای نگهداری نفرات و خرید تسلیحات ندارد، زیرا نیروها پاروقتی برای امنیت خود و محل اقامت‌شان فعالیت می‌کنند و روند فعالیتشان نیز بیش از کشیک‌های نظامی، فراگیری آموزش‌های نظامی برای روز مباداست.

از سوی دیگر تسلیحات نیز عمدتاً توسط افراد، طوایف و قبایل تهیه می‌شوند و در صورت تمسک به روایت رخداد ناگوار و درگیری با دشمن، محور مقاومت می‌تواند مهمات کافی را به آن‌ها برساند.

با محدودیت مالی آتی، یگان‌های نظامی بسیاری از قابلیت‌های خود مانند فعالیت نظامی دائمی و پر تعداد را از دست خواهند داد. با این وجود اساس این نیروها باقی می‌مانند؛ چه اینکه پیش از قرار گرفتن حشدالشعبی در ساختار رسمی و حتی در دوره صدام، ایران از سازمان بدر و سایر گروه‌ها پشتیبانی اطلاعاتی و تسلیحاتی کرده و فضای لازم را برای فعالیت در اختیار آنان قرار می‌داد.

با این حال مقاومت به شدت تضعیف خواهد شد چه اینکه در سال ۲۰۱۴ نیز این گروه‌ها وجود داشته و از رهگنر تحولات سوریه در میدان نیز حاضر بوده و تجربه داشتند، اما پدیده داعش رشد و پیشروی کرد.

این مسئله ضرورت گسترش حشدالشعبی را نشان می‌دهد. اگر فعالیت حشدالشعبی باعث شود نیروهای مسلح مردمی عراق به اندازه سال ۲۰۱۴ فروکاسته شوند، رویدادی مشابه حمله داعش با موفقیت‌هایی برابر امکان‌پذیر خواهد بود.

راهکار مؤثر محور مقاومت

بهترین کارآمدترین، گسترده‌ترین و مؤثرترین ضلع محور مقاومت هم‌اکنون یمن است. این دولت خود تصمیم گرفته با وجود اختیارات دولتی، به شکل مستقیم وارد قضایا شود؛ در حالی که مقاومت در دیگر اضلاع چه به شکل دولتی و چه به شکل حزبی و گروهی، محدودیت‌های خاص خود را دارد.

باید هرچه در توان مقاومت است برای تقویت یمن به کار گرفته شود. این کشور می‌تواند تمام مزایای موفقیت‌های غرب در قلب غرب آسیا را به چالش بکشد. حوزه دیگر تشدید فعالیت‌ها در زمین سوریه است. حزب بعث که بر سوریه حاکم بود به معنای خاص یک جریان مقاومتی نبود، بلکه در شکل عمومی نیز نسبت‌هایی با مقاومت برقرار می‌کرد. همین نظام‌های بردی‌ها مانع از مسلح شدن مقاومت لبنان به سامانه‌های دفاع هوایی شد. اگر مقاومت لبنان به سامانه‌های پدافندی مجهز می‌شد، بسیاری از مشکلات پیش نمی‌آمدند.

امروزه به نظر می‌رسسد مقاومت در محیط سوریه علاوه بر ضربه‌ای که خورده است، از محدودیت‌هایی نیز رها شده است. تشدید فعالیت‌های مقاومتی در سوریه می‌تواند مانع از تمرکز تروریست‌های به حکومت رسیده در این کشور بر عراق یا لبنان شود. این اقدام همچنین می‌تواند تمرکز آمریکا و رژیم صهیونیستی بر عراق و لبنان را هم برهم بزند.